

به آسیب های اجتماعی از منظر مختلف می توان نگاه کرد. امروزه یکی از مهم ترین موضوعات جوامع، آسیب های اجتماعی می باشد؛ و این در هر جامعه و فرهنگی، دغدغه کاستن از این آسیب ها را ایجاد کرده است، و از مشترکات کشورهای مختلف کاهش مبحث آسیب های اجتماعی می باشد.

هنگامی که نام آسیب اجتماعی به میان می آید، طبیعتاً بیان از جرم است چون در هر فرهنگی آنچه که جرم است به عنوان آسیب های اجتماعی شناخته می شود. جرم یا زمینه های جرم آسیب های اجتماعی می شود. برای همین برخی از آسیب ها عین جرم هستند؛ مانند دزدی و برخی از آسیب ها زمینه های ایجاد جرم می باشند، مثل ایجاد بافت های فرسوده.

اما در مورد آسیب های اجتماعی با وجود اختلاف فرهنگ ها، برخی از امور، جرم محسوب نمی شوند. اما ما مسلماتی داریم که در تمام فرهنگ ها جرم شناخته می شود؛ کج دستی، طلاق، کاهش مشارکت های مردمی، کج روی های سایبری و هزینه های بسیار فراوان در هر فرهنگ به دنبال دارد.

در دنیا برای از بین بردن این آسیب راهکارهای فراوانی را پیدا کرده و به نتایج خوبی نیز رسیده اند اما موفق نبوده اند. مثلاً تقویت پلیس و وجود دوربین مدار بسته که باعث شده افراد خود را در مقابل دوربین ببینند.

راهکار دیگری در دنیا پیدا شده، علی الخصوص از قرن ۱۹ به بعد ایجاد بسته هایی برای کمک گیری از مشاوره می باشد، از قرن ۱۹ به بعد به دلیل انقلاب صنعتی بیرون و درون افراد را دچار تعارض کرد و نیازهای درون و ظرفیت های بیرون با هم دچار تعارض شده و افراد به سمت مشاوره کشیده شدند مرا که وجود این تعارضات در انسان، خود زمینه ساز ایجاد آسیب می باشد.

در این زمینه نیز رشته های روانشناسی و مشاوره نیز موفقیت هایی داشته اند؛ اما باز هم این موفقیت ها نتوانستند به نتایج عالی دست یابد و نشانه آن این همه آثار جرم و جنایتی است که روز به روز متاسفانه در برخی از ابعاد در دنیا افزایش یافته است. به عنوان مثال؛ در کشور ما، ایران، با وجود مشاورین متعدد، ۵۵٪ افرادی که از مشاور استفاده کرده و درمان هم می شوند، بعد از مدتی دوباره مشکلشان باز می گردد.

سؤال اینکه با وجود این همه تلاش برای حضور مشاورین و بازدارنده های اجتماعی، چرا ما و جامعه جهانی را به نتیجه نرسانده تا بتوانیم این همه آسیب اجتماعی را از بین ببریم؟ و این اساسی ترین سؤال در دنیای امروز از سوی اندیشمندان جهان می باشد.

علت این امر عدم ریشه یابی مسائل است و با ریشه یابی، مسائل را حل نکرده ایم. مانند دندانی که ظاهرش خوب باشد و برای درمان تنها به ظاهر آن توجه کرده و از ریشه اش غافل باشیم، آن ریشه کل دندان را از بین می برد. ما باید به ریشه های آسیب توجه داشته باشیم.

امروزه تحقیقات بسیار خوبی در زمینه ریشه یابی آسیب صورت گرفته است که چه چیز سبب می شود افراد به سوی کج روی ها بروند و به جامعه خود نه تنها کمک نکرده بلکه آسیب های جدی وارد سازند.

زمینه ها در این تحقیقات شناسایی شده و راهکارهایی نیز ارائه شده است. مثلاً؛ ریشه برخی در خانواده است، چرا که خانواده بسیار مهم می باشد؛ و یا عدم هویت که تأثیر بسیار مهمی در اینکه افراد دچار آسیب های اجتماعی شوند، دارد.

پس راهکارهای اساسی جست و جوی ریشه های فساد و آسیب ها و بهترین راهکار از بین بردن آن ریشه هاست. با از بین بردن آن ریشه ها، از آسیب ها کاسته یا به کلی از بین خواهد رفت.

راه حل اصلی آسیب های اجتماعی، شناسایی ریشه ها می باشد. مشاور خوب، مشاورى ست که ریشه مشکلات مراجعین خود را شناسایی و آن را حل کند.

به سراغ قرآن می رویم، قرآنی که مربی و مشاور ماست. قرآن ریشه این فلاکت ها و مصیبت های جامعه بشری را چه می داند؟ از آنجا که قرآن ریشه ها را برای ما بیان کرده و تأکید بر حل ریشه مسائل دارد؛ به عنوان مثال: لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ؛ آنها دل ها (عقل ها)ئی دارند که با آن (اندیشه نمی کنند و) نمی فهمند؛ و چشمانی که با آن نمی بینند؛ و گوش هائی که با آن نمی شنوند؛ آنها همچون چهار پایبند؛ بلکه گمراه تر! اینان همان غافلانند!

قرآن یکی از ریشه های آسیب ها را غفلت می داند. آنجا که می فرماید عده ای هستند که با داشتن چشم، واقعیات را نمی بینند و با داشتن گوش، گوشى برای شنیدن واقعیات ندارند؛ علت اساسی آن را غفلت می داند، چرا که خداوند به آن ها چشم و گوش داده است و خوبی ها را در فطرتشان قرار داده است. پس یکی از ریشه های آسیب ها از منظر قرآن وجود غفلت خود انسان می باشد.

دومین ریشه را خداوند حلو بودن یا حریص بودن انسان می داند. طبیعتاً عمده رشوه ها در جامعه را افرادی می گیرند که بتوانند برای دیگران کاری بکنند که عمدتاً از مسئولین هستند، و در اینجا کسی که کارمند یا مسئول است، یقیناً حقوق وی به اندازه تأمین حداقلیات زندگی اش می باشد و در اکثر افراد حرص و طمع است که ریشه فساد می باشد.

قرآن می فرماید: إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا ریشه انسان در آن هُلُوبُودن؛ آری انسان به منظور رسیدنش به کمال حریص خلق شده است. و اگر این حریص بودن در انسان تقویت شود زمینه ایجاد فساد است.

سومین ریشه فساد را قرآن شهوت می داند؛ شهوت به معنای تمایلات انسانی می باشد، تمایلات انسانی اساساً چیزی بدی ست، اما هنگامی که شهوات و تمایلات، قوه عاقله انسان را در دست گیرد، آنجا باید مراقب بود. حب پول و فرزند در جای خود خوب است؛ اما اگر عقل انسان را این حب را در دست گیرد، می تواند ریشه آسیب باشد. در قرآن می فرماید: فَخَلَفَ مِنْ بَعدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا؛ مَا پس از آنان، فرزندان ناشایسته ای روی کار آمدند که نماز را تباہ کردند، و از شهوات پیروی نمودند؛ و بزودی (مجازات) گمراهی خود را خواهند دید!

قرآن هنگامی که از پیامبران سخن گفته، متأسفانه برخی از امت بعد از پیامبران جامعه را دچار فساد کردند، انجام این عمل را تبعیت از شهوت می داند.

و چهارمین ریشه اساسی را، قرآن، شیطان می داند. در آیات متعددی قرآن شیطان را به عنوان دشمن سعادت انسانی معرفی کرده و قرآن می فرماید که این شیطان است که بدی ها و راهکارهای رسیدن به آسیب ها را به ذهن ما می اندازد.

وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَيْكُمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ؛ و از آنچه نام خدا بر آن برده نشده است مخورید چرا که آن قطعاً نافرمانی است و در خفا شیطانها به دوستان خود وسوسه می کنند تا با شما ستیزه نمایند و اگر اطاعتشان کنید قطعاً شما هم مشرکید.

این ها ریشه هایی ست که قرآن برای آسیب های اجتماعی و کج روی ها دانسته و خواهان مقابله با این ریشه ها برای دستیاب به جامعه سالم می باشد.

از جمله در قرآن می فرماید: الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ شیطان شما را از تهیدستی بیم می دهد و شما را به زشتی وامی دارد؛ و(لی) خداوند از جانب خود به شما وعده آمرزش و بخشش می دهد، و خداوند گشایشگر داناست.

شیطان به انسان وعده ی فقر می دهد و او را به سمت رشوه و عدم کمک به دیگران تشویق می کند.

یا در جای دیگر می فرماید: إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ؛ همانا شیطان می خواهد با شراب و قمار میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد پس آیا شما دست برمی دارید. کار شیطان ایجاد عداوت و دشمنی بین انسان ها می باشد.

وسایل شیطان یک خمر و میگساری و دوری از یاد خداوند می باشند.

و آیات دیگر نیز نشان دهنده این است که ما باید نسبت به این مسائل توجه داشته باشیم، ما نیز در کارهای فرهنگی و تربیتی باید به این مباحث توجه داشته باشیم؛ هم به از بین بردن غفلت، هم به تعدیل شهوات و حرص و طمع در انسان و هم به دور کردن شیطان از انسان.

اگر به این مباحث توجه داشته باشیم؛ در هر مسئله ای راهکار واقعی برای حل آسیب ها خواهیم داشت، البته ناظر بر هر آسیبی راهکارهای متفاوت خواهد بود

ریشه های آسیب های اجتماعی در قرآن مطرح شده و البته ریشه های متعددی برای آسیب ها بیان شده است؛ ولی ما به چهار ریشه غفلت، حرص و طمع انسان و دیگری شهوت و مهمترین ریشه های آن مبحث شیطان اشاره کرده ایم، که البته به این مبحث در کتب تربیتی و برنامه ریزی ها توجه کمتری شده است.

قرآن برای مقابله با ریشه های این آسیب ها، راهکارهای متعددی را بیان کرده است برخی راهکارها تقویت نظارت بیرونی است که عقل انسان به این موضوع رسیده است و جهان از این راهکار استفاده می کند.

اما راهکار بنیادی اینگونه نیست و راهکار بنیادی را باید در قرآن جستجو کرد. قرآن کریم برای نمونه می فرماید: اگر که انسان دچار غفلت شده و زمینه سازی آسیب ها برای او به وجود آورده است، راهکار آن را نیز بیان کرده است.

راهکار مقابله با غفلت، غفلت زدایی است. *فَمَنْ اغْتَدَى عَلَيْكُمْ فَأَغْتَدُوا عَلَيْهِ بَمِثْلِ مَا اغْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ*؛ پس هر کس بر شما تعدی کرد همان گونه که بر او تعدی کرده بر او تعدی کنید و از خدا پروا بدارید و بدانید که خدا با تقوای پیشگان است

قرآن چه وسیله ای را برای غفلت زدایی مطرح می کند؟ غفلت به چه معناست؟ غفلت بدین معناست که تعهدات روزانه را که باید در روز به ما یادآوری شود را فراموش می کنیم، این یادآوری باید حالت تکرار داشته باشد که اگر ما مجدد از تعهدات خود نسبت به خود، بندگان و خدا غفلت کردیم کسی آنها را به ما یادآوری کند.

از جمله وسائل یادآوری نماز است. قرآن می فرماید: *إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي*؛ منم من خدایی که جز من خدایی نیست پس مرا پرستش کن و به یاد من نماز برپا دار.

خاصیت دنیا فراموشی است، فرزندان، تحصیل علم و یا حتی تحصیل علم دین در جایگاه خود خوب است اما بعضا گاهی در انسان ایجاد غفلت می کند. چه باید کرد؟

خداوند می فرماید روزی ۵بار مسائلی را که برای تو مهم است را یادآوری کن، خداوند لیستی از تعهدات مهم به داده است، مانند انسانی که روز اول ازدواج لیستی از تعهدات در اختیارش قرار می گیرد و باید در مقابل تک تک مفاد آن متعهد باشد.

در طول روز ما ۵بار لیستی از تعهدات خود نسبت به خداوند متعال را می خوانیم، از اقامه نماز که با توحید و نبوت و یادآوری آن شروع می شود و آنکه در نماز با بیان و تکرار «ایاک نعبد و ایاک نستعین» قیامت را به ما یادآور می شود و با تکرار «مالک یوم الدین» به ما می گوید که روزی باید پاسخگوی تمام اعمال خود باشیم.

با تکرار «سبحان ربی علی و بحمده» بیان می کند که نباید دچار غرور شوی که تنها خداوند بلندمرتبه است.

و اینها مطالب بسیار مهمی است که ما به تکرار آنها نیازمندیم مانند کودکی برای آموزش مدام در معرض تکرار از سوی والدین قرار می گیرد و خود یکی از راهکارها بود.

امام رضا «علیه السلام» می فرماید: نماز و مداومت یاد خدا در شب و روز سبب می شود که انسان مولا و مدبر و خالق خود را فراموش نکند و روح سرکش و طغیانگری در برابر خدا بر او غالب نیاید.

فلسفه نماز پیشگیری از عدم طغیان در فرد می باشد،

دومین مساله حرص و طمع بود، اگر خداوند انسان را حلو می داند یعنی جزع و فرع کردن و حریص بودن را در ذات انسان می داند راهکار برون رفت از آن را نیز مطرح کرده است.

دیگر دشمن و ریشه آسیب های اجتماعی شیطان بود که قرآن و روایا اشاراتی به دور شدن انسان از شیطان به برپایی نماز داشته اند.

اهتمام به نماز سبب دور شدن گرگ وجود ما از آتش شیطان همچون دور شدن گرگ از آتش می باشد.

وقتی صحبت از گناه و منکر و فساد است طبیعتاً نمی تواند نامی از شیطان به میان نیاید. این شیطان است که سبب خطور بسیار از گناهان به ذهن ما می شود.

برخی دارند که شیطان کیست و اصلاً چگونه می خواهیم متوجه حضور خطوات شیطانی یا الهی گردیم؟

گویند کسی کتابی با عنوان «راهکارهای مقابله با شیطان» را نوشته بود، فردی این کتاب را دید و مطالعه کرد و گفت: بسیار کتاب خوبی هست و هر کس این کتاب را بخواند بدون شک از شیطان دور خواهد شد. از قضا همان شب شیطان به خوابش آمد و گفت که خود من آن فرد را جهت رسیدن به وسوسه شهرت ترغیب به نگارش این کتاب کردم.

راهکار عملی دور کردن شیطان از انسان است. در روایات آمده که در ماه مبارک رمضان شیطان از انسانها دور شده و قدرتش کاهش می یابد.

آمار بدست آمده از سوی سازمانهای بین المللی در خصوص ایران نیز نشان می دهد که آسیب های اجتماعی در این ماه به طور محسوسی کاهش می یابد و خود گواه بر کاهش جرم چه در میان افراد روزه دار و چه در میان سایرین می باشد.

در این ماه بخشی از گناهانی که از خود ما ریشه می گیرد، انجام می شود اما آن بخش که بر اثر وسوسه شیطانی شکل گرفته است توسط انسانها کاهش می یابد.

قرآن تاکید بر دوری از شیطان دارد. امام صادق «علیه السلام» از پدران خود و پدران ایشان از امیرالمومنین و ایشان نیز از رسول اکرم نقل می فرمایند: لا یزالُ الشَّیطانُ دَعِراً مِنَ الْمُؤْمِنِ ما حَافِظُ عَلَی الصَّلواتِ الخَمْسِ، فَإِذا ضَيَّعَهُنَّ تَجَرَّأَ عَلَیهِ فَأَدْخَلَهُ فِی العِظائِمِ؛ پیوسته شیطان ترسان است از هر مؤمن مادامی که نمازهای پنجگانه خود را محافظت می کند و چون ضایع کند نمازهای خود را، شیطان جرات پیدا کند و او را در نافرمانیهای سخت و بزرگ اندازد. در این روایت میفرمایند که انگار شیطان در افراد کشت و زرع می کند، بذر کینه را می کارد و این در انسان رشد کرده و درخت تنومند کینه، به حرص و طمع و شهوت شده و از یاد این علف های هرز در انسان به خودی خود سبب انحراف از مسیر رشد خواهد شد.

در روایتی که از امام زمان «عجل الله تعالی فرجه الشریف» به ما رسیده است، می فرمایند: فَمَا شِیْ أَرَعَمَ أَنْفُ الشَّیطانِ بَشِیْ مِثْلَ الصَّلاهِ فَصَلَّاهَا وَاَرَعَمَ أَنْفَ الشَّیطانِ؛ هیچ چیزی مانند نماز بینی شیطان را به خاک نمی مالد

می گویند وقتی شیطان می بیند انسان در حال نماز است، حسادت می کند علی الخصوص آن زمان که انسان را در سجده می بیند.

پس یکی از راهکارهای دین برای کاهش آسیب های اجتماعی دور کردن شیطان از انسان و راه حل این دوری اقامه نماز است.

بنابراین اگر در قرآن دردی بیان می شود، دارو و راهکار آن نیز آمده است. نماز اکسیری است که اگر جامعه تقویت شود و حقیقتاً اقامه شود اثرات خود را خواهد گذاشت البته تحقیقات مفصل در دنیا نشان می دهد نماز و یا در سایر ادیان مانند کلیسا رفتن و عبادت کردن در کاهش آسیب های اجتماعی اثرگذار است.

آمار بدست آمده از یکی از شهرهای ایران در خصوص انجام بزه در میان دانش آموزان نشان دهنده این بوده است که ۹۰ درصد آنان مقید به انجام نماز نبوده اند.

و از آن ده درصد باقی مانده دچار جرم شده ولی نماز هم می خوانند ۸۰ درصد آنان به طور ناخواسته و اتفاقی در محیط جرم قرار گرفته اند و آن دو درصد که هم نماز می خوانند و جرم انجام می دهند نیز بسار طبیعی است.

بنابراین اگر عملی بتواند ۹۸ درصد از وقوع جرم و آسیبها بکاهد بسیار عالی می باشد، چرا که انسان در برابر وسوسه شیطان قرار دارد.

به امید روزی که بتوانیم با تقویت اقامه نماز از آسیبهای اجتماعی در جامعه بکاهیم.

در دنیای امروزی بسیاری از ارتباطات به سمت فضای مجازی رفته است. گستردگی ارتباطاتی که فضای مجازی جامعه ایجاد کرده است قابل انکار نمی باشد چرا که از سویی ارتباطات خاص مانند ارتباطات علمی را آسان تر نموده است.

اما این پدیده مانند بسیاری از پدیده ها هم آسیب ها و خدمات خاص خود را به همراه داشته است. البته با وجود مدیریت این پدیده از سوی ابرقدرتها و امریکا، با ورود افراد به این فضا افراد شهروند امریکا و اروپا شده و به مانند چاقویی است که دسته آن در دست ما نیست و در دست امپریالیسم می باشد، طبیعتا ما این آسیب ها را بیشتر لمس خواهیم کرد و ان شالله باشد روزی که کشور ما نیز ما برخی از کشورها دارای شبکه ملی اطلاعات باشد و آسیب ها و کجروی ها کاهش یابد.

اما امروزه این شبکه آسیب های بسیار جدی و بالطبع آن هزینه های بسیاری حتی در کشور امریکا بدنبال داشته است و مبحث کجروی های سایبری از دغدغه های جهانی می باشد.

برای ارائه راهکار در این زمینه با ابتدا به فضای واقعی توجه داشت. ما در فضای واقعی می توانستیم بر اعمال فرزندان خود و ارتباطات آن نظارت داشته باشیم؛ اما امروزه در فضای مجازی فرزند ما می تواند در خفا با افرادی ارتباط داشته باشد که ما و حتی خود فرزندانمان هیچ گونه شناختی از آن ندارند ولی بنا به هر دلیل با آنها ارتباط دارد.

و آیا ممکن است محتوایی در اختیار فرزندما قرار داده شود که توان نظارت بر آن را نداشته باشیم؛ البته در اینجا مناسب است که اطلاعات سواد رسانه ای والدین نسبت به فرزندان فراتر باشد تا بتوانند بر فضاهای رسانه ای آن ها تسلط داشته باشند.

متأسفانه فرزندان ما امروز می دانند که اطلاعات رسانه ای آنها از والدینشان بیشتر است و به راحتی قادر به دور آنها می باشند.

اما خاصیت فضای مجازی به گونه ای است که نمی توان بر آن نظارت کامل داشت؛ پس چه باید کرد؟ آیا باید فرزندانمان را به حال خود رها کنیم؟ خیر، چرا که هیچ انسان عاقل و مهربانی فرزند خود را در جاده و اتوبانی که وسایل نقلیه با سرعت بسیار بالا تردد دارند؛ رها نمی کند.

از دیگر با فضای مجازی روبرو هستیم که نظارت رابه خودی خود کاهش می دهد و راهکار ما در این زمینه تقویت خودکنترلی در فرزندان است.

اگر فرزندان قدرت کنترل بر درون را پیدا کنند در آن فضا هم موفق خواهند بود.

خداوند شهید چمران را رحمت بفرماید، ایشان دوران تحصیل خود را در امریکا گذرانده اند. هنگام جدایی از مادر در فرودگاه جهت رفتن به امریکا، از مادرشان رضایت خواستند که بروند ولی مادرشان گفتند به شرطی راضی خواهم شد که در مدت حضورت در امریکا دستت به گناه آلوده نشود و پس از برگشت از امریکا پس از دستبوسی مادرشان خاطره فرودگاه را یادآور شده و گفتند که من سر قول خودم ماندم.

این مادر گرچه در ظاهر سواد تربیتی نداشته است اما توان تقویت خودکنترلی در فرزند خود را داشته است که فرد و جان بتواند در محیط امریکا هم سالم و پاک بماند و در زمره شهدای والامقام اسلام و انقلاب و در زمان حیاتش جز نخبگان و خدمتگزاران دنیای اسلام در جوامع بشری باشد.

بنابراین راهکار عملی تقویت درون فرزندان جهت کنترل خود در هر فضایی بخصوص با وجود آمدن فضاهای مجازی می باشد.

البته این تذکر در باب توجه داشتن به زمان ورود و خروج و نظارت بیرونی را داشته که البته در این فضا خودکنترلی تاثیر بیشتری دارد.

امیرالمومنین می فرمایند: هنگامی که انسان به مسجد می رود خیراتی نصیبش می شود.



مسجد یکی از اساسی ترین مصادیق ارتباط با خدا می باشد و چون اصلی ترین هدف مسجد ارتباط با خداست و هنگامی که اثر رفتاری حضور در مسجد صحبت میشود مشخص می گردد که اثر خود نماز نیز اینگونه می باشد حضرت در پخش پایانی این روایت می فرمایند: وقتی انسان به مسجد می رود یکی از خیراتی که نصیب او میشود ترک گناه می باشد، این می تواند از روی حیا باشد چرا که در این میان با خدای خود ارتباط دارد یا اینکه به دلیل رفت و آمد با مسجد و حیا از مردم که متوجه گناه او شوند و یا از زوی خشیت و احساس حضور در مقابل پروردگار؛ فردی که روزی پنج بار در مقابل پروردگارش قرار می گیرد، بنابراین احساس نزدیکی به خدای خود را دارد و این حس در وی تقویت می شود که عالم محضر خداست و در محضر خدا معصیت نکنیم.

تقویت خودکنترلی در خود و فرزندان امری بسیار مهم است و این مساله ای مهم در امر تربیت است. چگونه می توان این امر را در خود و فرزندان و متربی خود تقویت کرد که به طور ناخواسته به سمت گناه نرود یا حتی کمتر برود؟ باید دو کار در این زمینه انجام داد:

باید زمینه خودکنترلی را در خود تقویت کنیم و هم موانع بیرونی خودکنترلی را کاهش دهیم. امروزه در دنیا چه در فضای مجازی و چه در فضای حقیقی متأسفانه موانع بسیار خودکنترلی وجود دارد. چرا که همه افراد قدرت یکسان در خودکنترلی ندارند. امروزه موانع بسیار برای عدم پاک ماندن افراد وجود دارد.

شما در جوامع غربی بسیاری از رسانه های شیطانی و اسرائیلی که متأسفانه در دنیا است که با پخش فیلم و سریال و انیمیشن و تبلیغات شیطانی و شهوانی شرایطی که در فضاهای حقیقی و مجازی بوجود می آورند موانع خودکنترلی را افزایش می دهند.

این موارد سبب افزایش روزافزون بدپوششی ها حتی در اروپا و امریکا و بی حجابی ها و ارتباطات ناسالم می شود. امروزه به راحتی می توان به مقداری پول وارد فضای مجازی شد و ناهنجارترین گناه ها را مرتکب شوند.

راههای مقابله با این بحث به این صورت است که هم تقویت درونی داشته و هم در رفع موانع بیرونی کوشا باشیم.

نماز هر دو راهکار را در خود دارد البته باید راهکارهای دیگری را دنبال کرد، بخصوص نماز در ابعاد اجتماعی خود مانند نماز جماعت فضای بیرونی جامعه را به صورتی مهیا می کند که خودکنترلی تقویت شود.

یک جوان با حضور در مسجد می تواند با آن حس و حالی در مسجد و حضور در نماز جماعت برای وی ایجاد می کند زمینه های خودکنترلی را افزایش دهد و حتی با افراد سالم تری در این مسیر ارتباط برقرار می کند و حال می توان مقایسه کرد جوانی را که در محافل اهل فساد حضور داشته باشد.

از جهت بیرونی حضور در نماز جماعت فضای بیرونی جامعه را به سمت یادآوری خداوند می برد و این درست در مقابل کید است که می خواهد فضاهای عمومی جامعه را به سمت یادآوری شهوات سوق دهد.

و دیگر اینکه نماز بهترین تقویت درونی می باشد. امام حسین «علیه السلام» در دعای عرفه می فرماید: اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَخْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ وَ أَسْعِدْنِي بِتَقْوَاكَ وَ لَا تُشَقِّنِي بِمَعْصِيَتِكَ وَ خِرْلِي فِي قَضَائِكَ. ای خدا بمن آن مقام ترس و خشیت از جلال و عظمتت را عطا کن که گویا تو را میبینم و مرا بتقوی و طاعتت سعادت بخش و بعصیانت شقاوتمند مگردان. خداوندا مرا به گونه ای قرار بده که گویا هر لحظه تو را می بینم.

و این گفته در مقام حرف آسان است ولی در مقام عمل چه باید کرد، یکی از راهکارهای عملی این است که مانند هنگامی که ساعت یا گوشی همراه خود را روزانه برای مساله خاصی کوک کرده باشیم ، خداوند نیز همینگونه عمل کرده و روزانه ۵ بار مطالب مهمی را برای ما یادآوری می کند که این خود زمینه مهمی برای کاهش آسیب های اجتماعی خواهد بود.

پس نماز و اقامه فردی و اجتماعی آن هر دو بعد را دارد. ما نیز از مسولین فرهنگی درخواست داریم نماز در جامعه در مقابل دید قرار دهند مانند اقامه نماز در پارک و یا در مساجد قابل رویت برای دیگران باشد. فرهنگ سازی اقامه اذان در امکان عمومی توسر افراد خود نیز می تواند راهگشای این امر باشد. با انجام این امور می توان تا حدودی فضای شیطانی جامعه را کم رنگ تر و فضای الهی و معنویت آن را پررنگ تر و با تقویت و تمرین در اقامه نماز اول وقت فرزندان خود زمینه خودکنترلی و خدایی لحظه ای را در آنان مهیا نماییم.

و این راهکاری است که ان شالله بتوانیم بدان نزدیک شویم.

همه دوست دارند فرزندانشان متعهد باشند، در بزرگسالی توسط فرزندان به خانه سالمندان فرستاده نشوند، در مسیر ازدواج موفق باشند و نسبت به همسر خود متعهد باشند.

در کدام فرهنگ تعهد امری ناپسند است؟ تعهد امری بسیار پسندیده و مهم می باشد.

راهکار اسلام برای تقویت تعهد در افراد چیست؟ چرا ما در طلاق با خانواده هایی که بیش از سه سال از عمر زندگی مشترک آنان نمی گذرد مواجهه می شویم؟ این مساله بی شک به جهت بی تعهدی می باشد. و این زندگی صرف یک ارتباط عاشقانه یا شهوانی انجام گرفته و پس از فروکش کردن این احساس سبب بی تعهدی فرد و نهایتاً طلاق خواهد شد. البته این را به همه افرادی که طلاق گرفته اند نمی توان نسبت داد چرا که در برخی موارد شاید طلاق لازم هم باشد اما غالباً ریشه در بی تعهدی افراد می باشد.

یا غالباً حضور افراد سالخورده در سرای سالمندان ریشه در بی تعهدی فرزندان دارد. کم کاری کارکنان در ساعت کاری نسبت به وظیفه خود نیز ریشه در عدم تعهد آنان دارد.

بی تعهدی یکی از ریشه های آسیب های اجتماعی می باشد. فرض بر این است که مخاطب ما حتی مسلمان هم نباشد و به عنوان یک مراجع به مشاور مراجعه می کند و درخواست تمرین و آموزش تعهد برای خود و فرزندان را دارد.

یک مربی و راهنمای خوب راهکار عملی ارائه می دهد؛ اسلام نیز راهکار عملی برای این امر ارائه می دهد. از قضا برخی اعمالی که در انجام دادن آنها سخت است برای تقویت و آموزش تعهد است چرا که هنگامی که ماری سخت به شما واگذار شده باشد میتوانید تمرین تعهد داشته باشید.

در اسلام مساله ای به نام نماز با تکرار روزانه ۵ بار وجود دارد که هر کدام در زمانهای مختلف مصادف با سایر کارها مثلاً هنگام خواب، در هنگام روز درست درس خواندن یا انجام معامله ای پرسود و مقارن با مغرب هنگام حضور در مکانی یا رفتن به جایی است.

وقت اذان و نماز روزانه ۵ بار هنگام تمرین تعهد است که آیا ما به تعهد خود پایبند هستیم چرا که خداوند در هنگام به دنیا آمدن من طبق فطرت از ما تعهد گرفته است که اگر گفته ام «الست بلی» ؛ تو خدای من هستی.

لحظه اقامه اذان که آنجا که می گوید «حی علی الصلاة» بیا به سوی من؛ تعهد به رفتن به سوی او می دهم.

آیا اگر یک نفر مسلمان نباشد آیا می توان به عنوان مشاور چنین راهکاری را به او پیشنهاد کرد، حتی با وجود عدم اعتقاد به او پیشنهاد این عمل که روزانه در ساعتی خاص این کار را انجام بدهد، مطمئن باشید بهره ای از معنویت نماز نخواهد برد اما یقیناً این فرد بعد از مدتی انسانی متعهد نسبت به فرزند و همسر خواهد شد و سبب تمرین تعهد خواهد شد.

مرحوم آیت الله قاضی می فرمودند: اگر می خواهید به جایی برسید نماز اول وقت بخوانید، سوال شد نماز اول وقت با حضور قلب؟ ایشان پاسخ دادند: حتی نماز اول بدون حضور قلب. چراکه خود نماز اول موجب متعهد به قرارها می شود، زیرا تعهد به قول و قرار با خداوند سبب تعهد به سایر امور در زندگی ما می شود.

شاید سوال شود چرا برخی افراد با وجود تعهد در فریضه اول وقت انسانهای پایبندی نباشند، پاسخ اینست که در تعهد امور مختلفی دخیل است که نماز اول وقت یکی از این موارد است و تمرین غیرعملی تعهد برای افراد حتی غیرمسلمان می باشد.

خود نماز غیر از اینکه در اول وقت اقامه بشود تمرینی برای تقویت تعهد است. مکان نمازگزار و آب وضو نباید غصبی باشد. مکان نماز باید رو به قبله باشد. اینها خود مواردی از قرار بنده با خداوند می باشد. در حقیقت سخت ترین عبادت نماز است

چرا که روزانه باید ۵ بار آن را بجا آورد. همیشه و در وقت و زمان خاص باید آن را بجا آورد. این تمرین تعهد است جدای از این که انجام اعمال در درون خود نماز تعهد به دنبال دارد.

اگر فردی متاسفانه دچار بی‌قیدی در مال دیگران باشد اگر به او متذکر این امر شویم اینگونه پاسخ می‌دهد که همه در حال سواستفاده هستند ولی اگر این فرد اهل نماز باشد این مورد را به او نیز تذکر بدهیم و عواقب اینکه اگر با این پول وضو و غسل کند نمازش باطل است اگر متعهد به نماز باشد این گفتار در وی تأثیر دارد.

پس اگر ما بتوانیم فرزندان خود را با نماز انس دهیم هم تعهد در نماز و هم احکامی که در درون نماز است سبب تقویت خودکنترلی در آنها خواهد شد.

یکی از آسیب های اجتماعی که در جوامع مختلف مطرح می شود کاهش مشارکت های مردمی می باشد. اگر در جامعه ای مشارکت های مردمی و همراهی و حضور مردم کم رنگ شود بستر مساعدی برای بروز آسیب های اجتماعی خواهد بود.

در دنیا می بینید که کاهش این مشارکت سبب ایجاد انقلاب های رنگین و مخملین خواهد شد. این انقلاب ها در بیشتر موارد آسیب هایی را به وجود آورده است؛ اعتراض مردم، به آتش کشیدن اموال عمومی و ...

شاید بعضا اصلاحاتی صورت گیرد اما صرفا یک اعلام اعتراضی است که چند وقت کشور را دچار مشکلات می کند؛ مانند فتنه صورت گرفته در سال ۸۸ که تا چندین ماه کشور و مردم از لحاظ مادی معنوی و روانی دچار آسیب شد و ثمره آن تنها تحت شعاع قرار دادن امنیت روانی مردم بود.

یعنی بجای اعلام انتقاد به صورت عقلانی و منطقی به این شیوه اعلام اعتراض کنند و این ریشه در این دارد از مشارکت اجتماعی مردم با حکومت کاسته شده است. در یک حکومت اسلامی چه راهکاری برای همبستگی بیشتر مردم با یکدیگر وجود دارد؟

همبستگی نیاز به علم و پرچم دارد که مردم برای همبستگی دور آن جمع شوند و ما در اسلام بحث ولایت را داریم

اما در اسلام چه راهکارهایی است که بتوان مردم را حول یک مساله جمع کرد؟

امروزه در دنیا پول بسیار زیادی جهت گردآوردن مردم در یک جمع و جشن وجود دارد. جمع شدن مردم در یک جای مشترک را ابزار قدرتی برای نمایش همراهی مردم با حکومت قرار می دهند تا به دشمنان بفهمانند که با این کشور نمیتوان مقابله کرد.

ما چه ابزارهایی برای این کار داریم؟ در اسلام برای تقویت بنیان حکومت و در نتیجه امنیت جامعه و دور کردن دشمنان و منافقین و اغتشاش گران راهکاری بیان کرده که متوجه بدان توجه نمی شود؛ و این راهکار نماز است.

در روایات بسیار به اقامه نمازهای یومیه در مسجد تاکید شده است. شما می توانید در خانه در خفا با خدای خود ارتباط برقرار کنید مگر خدا از رگ گردن به انسان نزدیک تر نیست پس چرا خداوند برای اقامه نماز ما را دعوت به نماز می کند؟

چرا که با این کار ابعاد اجتماعی این کار را تقویت می شود. به همین دلیل در اعیاد مسلمین و یا حتی روزهای جمعه که در روایات به عنوان روز عید مطرح شده است تاکید بر نماز آن روزها دارد و این بدلیل تقویت و ایجاد روحیه همبستگی بین مردم که افرادی مومن هستند، می باشد، زیرا هنگامی که برای انجام فریضه نماز گرد هم می آیند ارتباط آنها خصوصا آنکه مومن هستند با یکدیگر تقویت خواهد شد.

اگر در جامعه ای اجتماعات مومنین را ما شکل گیرد می تواند بدنه قدرتی جامعه برای مقابله با مشکلات گردد. مشاهده این جماعت توسط دشمنان ضعف و وحشت در آنان ایجاد خواهد کرد.

در جریان بهار عربی که در کشورهای مسلمان عربی اتفاق افتاد بسیاری از رسانه ها صحنه های اقامه نماز آن جماعت را نشان می داد و این نشان دهنده این بود که این ها افرادی هستند که حول محور اسلام و خدا دور هم جمع شده اند.

اقامه نماز در جامعه یکی از ابزارهای قدرت جامعه است. امام رضا «علیه السلام» می فرماید: إِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَمْرًا سَلَبَ الْعِبَادَ عُقُولَهُمْ فَأَنْفَذَ أَمْرَهُ وَ تَمَّتْ إِرَادَتُهُ فَإِذَا أَنْفَذَ أَمْرَهُ رَدَّ إِلَى كُلِّ ذِي عَقْلٍ عَقْلَهُ فَيَقُولُ كَيْفَ ذَا وَ مِنْ أَيْنَ ذَا؛ آنگاه که خدا انجام کاری را خواهد، خرد را از بندگانش بردارد و کارش را عملی سازد و خواسته اش به اتمام رسد و پس آنگاه که کارش را به انجام رسانید خرد هر صاحب خرد را به او برگرداند، پس او خواهد گفت: چگونه این طور شد؟ و از کجا شد؟

بهترین راهکاری که ائمه جماعات و جمعه و مسئولین استان و شهرستان می توانند داشته باشند این است که برای برگزاری برخی از اجتماعات میتوانند در ابتدای شب در آن خیابانها نماز جماعت برپا کنند.

تجربه نشان داده است که در جریان فتنه هایی مانند حادثه کوی دانشگاه و یا آشوب های سال ۸۸ حضور گسترته مردم در نماز جمعه بود که توانست دشمن را شکست داده و قدرت منافقین را کاهش دهد.

به امید روزی که قدرت اسلام و مسلمین با اقامه نماز جماعت تقویت گردد.

یکی از آسیب های اجتماعی که متأسفانه در جامعه ما نیز دیده می شود پایین بودن تعهد و وجدان کاری است. پایین بودن وجدان کاری به خودی خود سبب کاهش بهره بری کاری می شود. یک مدیر برای بالابردن بهره‌وری کاری اداره، کارخانه و کارگاه و یا حتی دانشگاه و مدرسه اش بدنبال تعهد کاری میان افراد مجموعه خود باشد.

گاهی مشاهده می شود که کارمندان مسولیت و تعهد کاری لازم را نداشته و نظم و انضباط را در کار رعایت نمی کند و یا اهل رعایت حقوق دیگران و ارباب رجوع نمی باشند و یا مساله سلامت جنسی در محیط کار که الحمدلله در جامعه ما نسبت به جوامع دیگر نادر است، کاهش می یابد و بانوان در آن محیط احساس امنیت کمتری دارند و حتی این مساله سبب حواشی و عدم تمرکز بر روی کار و یا حتی مباحث آموزشی خواهد شد.

یکی دیگر آسیب های محیط کاری استرس هایی است که کارمندان برای دوران بازنشستگی خود دارند که همه ادارات و کارخانجات به دنبال رفع و کاهش این موانع می باشند و در نهایت بهره‌وری کار را افزایش دهند. آیا مدیران ما به مساله توجه به اقامه نماز و آن بالاتر انس دادن آنها با نماز هر میزان که هزینه شود به طور غیرمستقیم در بهره بری کار آنها این سرمایه گذاری موثر باشد؟ یقیناً این گونه خواهد بود.

ما در قبال افرادی که با آنها به عنوان کارمند ارتباط هستیم، مسولیت داریم. بنابراین نماز یکی از درس های آموزش مسولیت پذیری می باشد ما در نماز می خوانیم «مالک یوم الدین». اگر نماز ما با توجه باشد مسولیت پذیری ما را افزایش می دهد.

در روایات متعدد آمده است اینکه کسی توجه به مسولیت خود نداشته باشد نمازش قابل پذیرش نیست.

در روایت شرایطی برای قبولی نماز داریم حتی اگر تمام شرایط احکامی آن رعایت شده باشد باید سایر شرایط آن رعایت شود از جمله شرایط رضایت همسر و شوهر؛ رضایت والدین.

بنابراین کسی که از نماز آموخته باشد و به این شرایط پایبند باشد و در قبال این افراد مسولیت پذیر باشد در برابر سایر افراد جامعه مسولیت پذیر خواهد بود.

هنگامه اقامه نماز در ادارات بهترین زمان بازگویه کردن اثرات و تقویت احساس مسولیت پذیری در افراد است، بهترین ابزار است که می تواند از این جهت به جامعه اسلامی کمک کند.

مساله دیگر برنامه ریزی است. ما برای اینکه بتوانیم برای کارکنان خود برنامه ریزی کنیم و یا اگر مسولیت محیط آموزشی را بر عهده داریم برای اینکه دانش آموزان در انجام وظایف خود منظم بوده و صبح ها با نشاط در کلاس درس حاضر باشند نماز صبح است.

این ها در بحث مدیریت زمان و زندگی ابزارهای مهمی هستند، امروزه در دنیا به دنبال ابزارهایی هستند که فرد نسبت به مسولیت خود متعهد باشد و نسبت به امور فردی و اجتماعی خود رعایت نظم داشته باشد؛ تمام این موارد را نماز در خود دارا است.

البته هستند افرادی که اهل نماز و قدرت نظم بخشی در نماز خود هستند اما محیط مانع این باشد که فردی منظم باشد و این مبحث دیگری است اما در خود نماز این مساله وجود دارد.

بحث دیگر سلامت جنسی در محیط کار است که یک از آسیب ها می باشد؛ چرا در یک محیط سلامت جنسی از بین می رود و ارتباطات متأسفانه به بی راهه کشیده می شود؟ چرا که بی شک با وجود آمدن این روابط خاص و کاهش سلامت جنسی بهره بری نیز کاهش می یابد. برای جلوگیری از این آسیب ها باید راهکارهای زیر را رعایت کنیم:

۱. فضا و محیط آن اداره را الهی کنیم، به هر میزان اگر بتوانیم این عمل را انجام دهیم فضا و محیط سالم تر خواهد شد، در جلسات پیش در خصوص کیده‌های شیطانی و عواقب آن بحث شد که این مساله برای محیط های کاری مستثنی نخواهد بود. پس با اقامه نماز در محیط کار سبب نورانیت و تعدیل ارتباط کارکنان خواهد شد.

۲. ما در روایات متعدد داریم که اگر انسانی به حریم خصوصی افراد توجه داشته باشد و به چشم فسق به دیگران نگاه کند نمازش قبول نیست.

و یا در روایتی دیگر آمده است: هر زنی خودش را برای نامحرم خوشبو کند یعنی زنی که توجه دارد که برای نامحرم دلربایی کند نمازش مورد قبول نیست.

بهترین زمان بیان این موارد در هنگام نماز در محیط های اداری و آموزشی است.

پس اگر کسی را با انس بدهیم و نماز برایش مهم باشد، آنگاه این گفته ها در او تاثیر دارد. پس اگر دلربایی های زنانه در محیط کاری نباشد بی شک از آسیب ها در آن محیط کاسته می شود و می توان با نورانی کردن محیط در کاستن این آسیب ها تلاش کرد.

و آخرین نکته این که به هر میزان انسان با نماز و قرآن ارتباط داشته باشد کاهش استرس در او بیشتر خواهد بود و بسیاری از روانشناس و تحقیقات این را ثابت کرده و این می تواند در دغدغه مالی و احساسی افراد برای دوران بازنشستگی موثر باشد.

ان شالله که محیط های کار سالم و بدون آسیبی داشته باشیم که بهروری کار افزایش یابد.